قضاوت در اسلام

قسمت بیست و هشتم

حجت الاسلام و المسلمین عباسعلی علیزاده

در شمارۀ قبلی پیرامون ادلۀ قاعده به شرح قاعدۀ میسور پرداخته شد. [illegible] قاعده این است که هرگاه انجام تکلیفی برای مکلف ممکن باشد و [illegible] به طور کامل انجام [illegible] نمی‌شود بلکه آن مقدار که ممکن و مقدور است باید انجام شود. [illegible] قاعده استصحاب بررسی می‌شود.

دلیل دیگری که فقهای عظام، برای این قاعده ذکر کرده‌اند قاعدۀ استصحاب است به این بیان که مکلف مأمور به اتیان تکلیفی شده است که بعضی از اجزای آن را قادر نیست انجام دهد، شک حاصل می‌شود که آیا اجزایی که قادر به انجام آن است همچنان باقی است؟ مانند نماز که مکلف ملزم است نمازی را بخواند که جامع جمیع شرایط و اجزا باشد، ولی شرایطی برای او به وجود آمده که قادر نیست نماز ایستاده بخواند، آیا نماز نشسته بر او واجب است؟ یا مطلقاً ملزم به انجام کاری در زمان معین شده است ولی به علتی زمان آن از او فوت شده، آیا بعد از مضی وقت مأمورٌبه در خارج از زمان همچنان باقی است یا این که وجوب از بین رفته است.

در این جا قاعده استصحاب می‌گوید: عناصر استصحاب که عبارتند از یقین سابق و شک لاحق و وحدت موضوع باشد تمام است. پس باید قائل شویم به این که نماز نشسته و انجام کار در خارج از زمان همچنان واجب است و مکلف باید اتیان نماید. فقهای عظام در اینجا معتقدند که [illegible] اشکال شده به این که در ما نحن فیه وحدت موضوع نیست [illegible] در زمان معین [illegible] نماز نشسته و انجام کار در خارج از زمان [illegible] است.

شیخ اعظم انصاری (؟) و دیگران جواب داده‌اند که در استصحاب وحدت عرفی کافی است نه وحدت عقلی، در ما نحن فیه عرف [illegible] را [illegible] می‌دانند و همین مقدار برای جریان استصحاب (وحدت موضوع) کافی است، زیرا اگر مراد از وحدت موضوع در استصحاب دقت عقلیه باشد، جریان استصحاب تقریباً در همه موارد دچار اشکال می‌شود.

مثلاً اگر حوض آبی مقدار آبی که داشته یقین به کربودن آن داشتیم و حالا بر اثر کم شدن مقداری از آن شک کنیم که آیا همچنان کر است یا خیر در این جا استصحاب می‌گوید: یقین سابق را بپذیر و آن آب را کر بدان، به حسب ظاهر وحدت موضوع نیست؛ چون آب حوض در مرحله اول آبی بوده است که یقین به کر بودن آن بوده و بعداً مقداری از آن آب از بین رفته و کم شده است.

پس در استصحاب ملاک در وحدت موضوع عرف است کما این که نمی‌شود در ما نحن فیه تمسک به اصالة البرائه نمود. چون مسئلۀ ما در این جا حالت سابقه دارد و در صورت تعارض بین اصالة البرائه و استصحاب، علمای اصول استصحاب را بر اصالة البرائه مقدم می‌دارند.

در پایان صاحب کتاب شریف انوار الأصول در جلد ۳ [illegible] از مصباح الأصول به این بیان نقل می‌فرمایند: «[illegible] الأصحاب التمسک بقاعدة المیسور [illegible]» [illegible]

معظم‌له در مقام پاسخ می‌فرمایند که مطالب صاحب کتاب مصباح الأصول تمام نیست، چون مرحوم [illegible] در [illegible] در احکام [illegible] با ذکر روایتی می‌فرمایند که از این قاعده استفاده شده است و نهایتاً می‌فرمایند: «و المتتبع فی کلامه و کلام غیره یجد موارد کثیرة فی غیر ابواب الصلوة استندوا فیها الی هذه القاعدة»؛ یعنی تحقیق و جستجو در کلام آن مرحوم و کلام غیر ایشان موارد زیادی پیدا می‌شود که فقها در غیر ابواب صلاة به همین قاعده استناد کرده‌اند که معظم‌له ۱۳ مورد را بیان می‌فرمایند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی